

بیان فراوان ژن Δ - پرولین - ۵-کربوکسیلات سنتتاز ($p5cs$)، با هدف افزایش

مقاومت به تنش‌های اسموتیک در گیاه تراریخت توتون (*Nicotiana tabacum* cv. Xanthi)

احد یامچی^۱، فردوس رستگار جزی^۲، سیروس قبادی^۱، امیر موسوی^۳ و علی اصغر کارخانه‌ای^۴

چکیده

پرولین به عنوان یک اسمولایت مهم، در تعدیل فشار اسمزی سلول تحت تنش کم آبی نقش اساسی دارد. در سلول‌های گیاهی، آنزیم دلتا-۱-پرولین-۵-کربوکسیلات سنتتاز ($P5CS$) وجود دارد که تحت شرایط خشکی، فعالیت این آنزیم تشدید شده و مقدار پرولین را در داخل سلول به حدی بالا می‌برد که از خسارت زیاد کم آبی به گیاه جلوگیری می‌کند. در این پژوهش، ژن کد کننده آنزیم $P5CS$ که تحت کنترل پرموتور 35S و ویروس موزاییک گل کلم قرارداد داشت در ناقل دوگانه $pBI121$ حاوی ژن‌های $nptII$ و gus کلون شد و سپس این ناقل به باکتری *Agrobacterium tumefaciens* سویه $C58(pGV3101)$ انتقال یافت. باکتری اخیر برای تولید گیاهان توتون تراریخته حاوی ژن $p5cs$ به کار گرفته شد. با تکثیر قطعه ۷۶۵ جفت بازی توالی داخل ژن $p5cs$ از گیاهان تراریخته و نیز تشکیل رنگ آبی در بافت این گیاهان، انتقال موفقیت آمیز کلون حاوی ژن $p5cs$ به داخل گیاهان توتون به روش انتقال با آگروباکتریوم تأیید شد.

میزان پرولین تولید شده در این گیاهان تحت آبیاری معمولی و نیز تنش ۵ روزه کم آبی اندازه‌گیری شد و نتایج آزمایش نشان داد که در مقایسه با گیاهان شاهد، توتون‌های تراریخته مقدار زیادی پرولین در حد ۹۶/۹۱ تا ۱۳۳۰/۸۹۱ میلی‌گرم پرولین در هر گرم برگ در شرایط آبیاری طبیعی تولید کرده‌اند. این غلظت پرولین در شرایط تنش ۵ روزه کم آبی بیشتر بوده و در حدود ۲۰۴/۴۵۴ تا ۲۰۳۹/۷۷ تخمین زده شد. تفاوت تولید سطح پرولین در گیاهان شاهد و نیز گیاهان تراریخته، تحت آبیاری معمولی و کم آبی، نشان داد که بیان ژن $p5cs$ در گیاهان تراریخت باعث افزایش تحمل به تنش خشکی در این گیاهان می‌شود که این یافته‌ها شاید بتواند برای یافتن راه حلی برای مقابله با تنش کم آبی در محصولات مهم کشاورزی مفید باشد.

واژه‌های کلیدی: $p5cs$ ، پرموتور 35S، ناقل دوگانه $pBI121$ ، ژن gus ، ژن $nptII$ ، آگروباکتریوم

۱. به ترتیب کارشناس ارشد و مربی بیوتکنولوژی کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

۲. استادیار بیوشیمی، مرکز ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری، تهران

۳. استادیار بیوتکنولوژی گیاهی، مرکز ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری، تهران

۴. مربی ایمونولوژی، مرکز ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری، تهران

مقدمه

یکی از پاسخ‌های عمومی سلول به تغییرات فشار اسمزی خارجی، تجمع متابولیت‌هایی است که قابلیت انحلال داشته ولی متابولیسم طبیعی گیاه را مختل نمی‌کنند (۱۳). این مواد که عموماً به اسمولایت‌ها معروف هستند شامل قندهایی مثل سوکروز و فروکتوز، قندهای الکلی مثل گلیسرول و اینوزیتول متیله شده، قندهای کمپلکس مثل ترهالوز، رافینوز و فروکتان، یون‌هایی مانند پتاسیم (K^+) یا متابولیت‌های دارای بار الکتریکی مثل گلیسین بتائین، دی متیل سولفونیوم پروپیونات (DMSP) و اسیدهای آمینه‌ای چون پرولین واکتوین هستند (۱۴). تجمع اسمولایت‌ها در سیتوزول امکان تعدیل فشار اسمزی را در سلول فراهم می‌آورد که در این شرایط، از تجمع یون‌های سمی مثل سدیم (Na^+) در سیتوزول، که برای پروتئین‌ها و غشاها سمی است، جلوگیری به عمل می‌آید. اسمولایت‌ها هم چنین باعث پایداری آنزیم‌ها در حضور یون‌ها، تنش آبی و نیز تأثیر ترکیبات شیمیایی دنا‌توره کننده می‌شوند. پرولین به عنوان یکی از این ترکیبات است که تأثیر فعالیت کند کنندگی یون‌ها را روی آنزیم‌ها کاهش می‌دهد و باعث افزایش و پایداری آنزیم‌ها در دمای بالا می‌شود (۲۱).

پرولین به عنوان یک اسمولایت مهم در تعدیل فشار اسمزی سلول تحت تنش‌هایی مانند دمای پایین، کمبود مواد غذایی، قرار گرفتن در معرض فلزات سنگین و اسیدیته بالا نقش اساسی دارد. افزایش این ماده در شرایط استرس اسمزی، علاوه بر گیاهان در دامنه وسیعی از موجودات دیگر مثل باکتری‌ها، مخمرها، بی مهرگان دریایی و جلبک‌ها مشاهده شده است (۳، ۸ و ۱۰). در واقع پرولین به عنوان یک چپرون شیمیایی (chemical chaperone) باعث پایداری فرم طبیعی پروتئین‌ها شده و از به هم خوردن شکل طبیعی ترکیبات آنزیمی ممانعت می‌کند (۱۴ و ۱۹). هم چنین تولید زیاد پرولین با افزایش فشار اسمز داخل سلول از تأثیر اختلالات شوری در فرایند طبیعی سلولی ممانعت به عمل می‌آورد. این افزایش سطح پرولین، حتی پس از حذف شرایط تنش تا مدتی حدود یک ماه باقی می‌ماند. در واقع تجمع

افزایشی پرولین در سلول به دلیل القاء فعالیت آنزیم‌های دلتا-۱-پرولین ۵- کربوکسیلات سنتتاز (P5CS) و پرولین ۵- کربوکسیلات ردوکتاز (P5CR) در چرخه تولید این ماده و نیز ممانعت از فعالیت آنزیم‌های اکسید کننده پرولین مانند پرولین دهیدروژناز (ProDH) و پرولین ۵- کربوکسیلات دهیدروژناز (P5CDH) در سلول است. نقش مثبت پرولین در تعدیل فشار اسمزی نسبت به شوری و خشکی توسط محققین در گیاهان مختلف مانند ذرت (۱۵) یونجه (۵) و آرابیدوپسیس (۷) گزارش شده است.

در شرایط غیر تنش، پرولین از مسیر اورنتین در گیاه تولید می‌شود (۳) ولی در گیاهان تحت شرایط خشکی و شوری، پرولین از L- گلوتامیک اسید توسط آنزیم دلتا - ۱ - پرولین ۵- کربوکسیلات سنتتاز (P5CS) و با مصرف یک ATP و احیا شدن NADPH تبدیل به گلوتامیک - ۵- سمی آلدئید می‌شود که بدون واسطه و به صورت خودبه خود تبدیل به دلتا - ۱ - پرولین ۵- کربوکسیلات می‌شود. در ادامه فرایند، ماده اخیر به کمک آنزیم P5CR و احیا شدن NADPH به L- پرولین تبدیل شود (۱۳).

آنزیم کلیدی در مسیر بیوسنتز پرولین در گیاهان P5CS است. در واقع P5CS یک آنزیم دوعملکردی است که دو واکنش ابتدایی را در مسیر بیوسنتز پرولین در گیاهان کاتالیز می‌کند (۳ و ۱۳). در باکتری‌ها این واکنش‌ها توسط دو آنزیم مختلف یعنی گاماگلوتامیل کیناز (GK) و گلوتامیک - سمی - آلدئید دهیدروژناز (GSA) کاتالیز می‌گردند (۳ و ۱۳). جالب توجه است که توالی اسیدهای آمینه آنزیم P5CS جدا شده از *Vigna aconitifolia* با توالی اسید آمینه‌های بخش انتهای آمینی آنزیم GK و نیز بخش انتهای کربوکسیلیک GSA در *E. coli* مشابهت دارد (۳). کلونینگ ژن *p5cs* در گیاهان ثابت کرد که مسیر بیوسنتز پرولین از اسید آمینه گلوتامیک در گیاهان مشابه باکتری‌هاست (۳). تهیه کتابخانه cDNA گیاه *V. aconitifolia* منجر به شناسایی آنزیم P5CS شد که فعالیت هر دو آنزیم GK و GSA را انجام می‌دهد (۱۶). ژن *p5cs* در گیاه *Arabidopsis thaliana* و به روش cDNA شناسایی شد که ۲/۸ کیلو باز طول داشته و

۲۸ درجه سانتی گراد همراه با تکان خوردن (۱۸۰ دور در دقیقه) انجام گرفت. پس از این مدت میزان رشد باکتری با دستگاه اسپکتروفتومتر در ۶۰۰ نانومتر اندازه گیری شد که سوسپانسیون باکتری در حدود 10^9 واحد تشکیل دهنده کلنی در میلی لیتر تخمین زده شد. سوسپانسیون به دست آمده تا حدود ۱۰ برابر رقیق شده و در آزمایش ها به کار رفت.

از برگ های جوان گیاه توتون *Nicotiana tabacum* cv. Xanthi تعداد ۳۰ عدد ریزنمونه (قطعات leaf disk) در پتری استریل تهیه شده و پس از غوطه ور کردن در سوسپانسیون رقیق شده باکتری، ریزنمونه ها به مدت ۱۰ دقیقه به آرامی تکان داده شدند. ریزنمونه های تلقیح شده در محیط کشت MS جامد (۱۱) حاوی هورمون های بنزیل آمینوپورین (BAP) به میزان یک میلی گرم در لیتر و نفتالین استیک اسید (NAA) به مقدار ۰/۱ میلی گرم در لیتر در روی محیط کشت به نحوی قرار داده شدند که سطح برگ با محیط کشت تماس داشته باشد. ریز نمونه های توتون بدون آلوده شدن با آگروباکتریوم و یا آلوده شده به آگروباکتریوم میزبان سویه C58(pGV3101) فاقد دستواره حاوی ژن $p5cs$ به عنوان شاهد منفی در این آزمایش ها به کار رفت. محیط های کشت حاوی نمونه ها به مدت ۴۸ ساعت در محیط تاریک با دمای ۲۵ درجه سانتی گراد نگهداری شدند. پس از این مدت ریزنمونه ها به محیط MS جامد قبلی که به آن آنتی بیوتیک های کانامایسین به مقدار ۱۰۰ میلی گرم در لیتر و سفاتوکسیم به میزان ۵۰۰ میلی گرم در لیتر اضافه شده است منتقل شدند تا کالوس زایی ریزنمونه ها صورت گیرد. محیط های کشت به مدت دو تا چهار هفته در شرایط تاریکی و دمای ۲۵ درجه سانتی گراد قرار گرفتند. سپس برای باززایی گیاهان نمونه، شرایط ۱۶ ساعت روشنایی و هشت ساعت تاریکی با دمای ۲۵ درجه سانتی گراد به مدت چهار هفته تأمین شد. بعد از باززایی نمونه ها، گیاهان به دست آمده به محیط MS فاقد هورمون منتقل شدند تا ریشه زایی صورت گیرد. چهار هفته بعد گیاهان ریشه دار شده به گلدان هایی با قطر ۱۸ سانتی متر حاوی ورمیکولیت و ماسه استریل (با نسبت ۲:۱)

۲۰ اگزون را در بر می گیرد (۳ و ۱۶). این ژن از گیاهچه های ۱۴ روزه برنج نیز جداسازی شده است (۷ و ۲۱). به دلیل اهمیت شوری و خشکی در رشد گیاهان و توجه به تولید گیاهان تراریخته ای که در شرایط چنین تنش هایی به رشد مناسب خود ادامه دهند، باعث شده است که مسئله انتقال ژن $p5cs$ به گیاهان مورد توجه قرار گیرد. نانجو و یوشیا در سال ۱۹۹۹ (۱۲) به وسیله تراریختی گیاه آراییدوپسیس با آنتی سنس cDNA ژن $p5cs$ نشان دادند که نقش این آنزیم در بیوستز پرولین کلیدی است، زیرا در این روش با ممانعت از تولید آنزیم P5CS مقدار پرولین در این گیاهان در سطح معنی داری کاهش یافت. هم چنین ورما با تراریخت کردن گیاه توتون به وسیله ژن $p5cs$ نشان داد که میزان پرولین در گیاه تراریخته افزایش می یابد (۲۰، ۲۱). با توجه به اهمیت تنش های شوری و خشکی در اقلیم های زراعی ایران ضروری است امکان انتقال ژن $p5cs$ به گیاهان زراعی مهم ایران مورد توجه قرار گیرد. به همین منظور تشخیص داده شد که نخست بهینه سازی روش انتقال در گیاهان مدل مانند توتون بررسی شود تا از اطلاعات به دست آمده برای تراریخته کردن گیاهان مهم اقتصادی استفاده کرد.

مواد و روش ها

برای تهیه گیاهان تراریخت توتون از سویه C58(pGV3101) باکتری *Agrobacterium tumefaciens* که قبلاً دستواره pBI121- $p5cs$ به آن منتقل شده است استفاده شد (۱). دستواره pBI121- $p5cs$ حاوی قطعه ۲/۵ کیلوبازی کلون شده ژن $p5cs$ می باشد که پروموتور CaMv 35S در ابتدای آن قرار گرفته است و این مجموعه در داخل ناقل دوگانه pBI121 (vector) واجد ژن های *nptII* و *gus* کلون شده بود. سویه میزبانی *A. tumefaciens* مورد استفاده دارای پلاسمید Helper واجد ژن های *vir* است (۱).

کشت ۲۴ ساعته سویه آگروباکتریوم در محیط LB محتوی ۱۰ گرم Bacto-peptone، ۵ گرم Yeast-extract، ۱۰ گرم NaCl و ۵۰ میلی گرم در لیتر آنتی بیوتیک کانامایسین در دمای

انتقال یافتند و با رعایت شرایط مربوط به سازگاری گیاه با محیط، به مدت دو ماه در گلخانه نگهداری شدند. پس از رشد گیاهان تا مرحله ده برگی، نمونه برداری برای تأیید تراریخت بودن گیاهان به روش PCR و سنجش فعالیت آنزیم GUS انجام گرفت. برای انجام آزمایش سنجش و مقایسه میزان سطح پروتئین تولید شده، از گیاهان آبیاری شده به صورت طبیعی و نیز تحت تنش پنج روزه خشکی استفاده شد.

آزمون گیاهان تراریخت با استفاده از تکنیک PCR

برای تأیید حضور ژن *p5cs* در گیاهان تراریخت شده، از تکنیک PCR استفاده شد. برای نیل به این منظور با استفاده از توالی نوکلئوتیدی ژن *p5cs* ذخیره شده در بانک ژن NCBI (Accession no. D32138) که از cDNA آرآبیدوپسیس *A. thaliana* var. *columbia* به دست آمده بود، آغازگرهای پیش برنده (Forward-R-6-F) از ناحیه پروموتور و معکوس (Reverse-R-2-R) از قسمت درونی ژن *p5cs* با توانایی تکثیر قطعه ۷۵۶ جفت بازی از ژن مزبور، و دو پرایمر دیگر جهت تکثیر قسمت انتهایی ژن (R-3-F, R-4-R) با استفاده از نرم افزارهای primer3 و نرم افزار Oligo ver.5 طراحی و توسط شرکت TIB MOLBIOL سنتز شدند.

R-6-F, Forward:
5'-GGATTGATGTGATATCTCCACTGACG-3'

R-2-R, Reverse :
5'-CCTTCAACATCGCTCAGAAGAATCAG-3'

R-3-F, Forward:
5'-CCAAGGGCAAGTAAGATACTGAACAT-3'

R-4-R, Reverse:
5'-GCAAGACTAAGTGGTAAAGTGGATCT-3'

هر واکنش PCR در حجم ۲۵ میکرولیتری شامل ۵۰ نانوگرم DNA نمونه استخراج شده به روش Murry and Tompson، ۰/۴ میکرومولار از هر پرایمر، ۱/۵ میلی مولار کلرور منیزیم، ۲۰۰ میکرومولار مخلوط dNTP و ۱ U آنزیم *Taq DNA polymerase* تنظیم شده و در ترموسایکلر Techne مدل Genus قرار گرفت. با توجه به بزرگی و پیچیدگی DNA ژنومی جهت انجام واسرشت سازی (denaturing) مناسب و نیز فراهم آوردن امکان

اتصال مناسب (فراهم نمودن شرایط و زمان کافی برای اتصال و واکنش مناسب بین پرایمرها و ژن هدف که در چند سیکل اول خصوصاً حیاتی است)، بنابراین شرایط PCR برای تکثیر قطعه DNA مورد نظر در گیاهان تراریخت به صورت یک سیکل و دمای ۹۴ درجه سانتی گراد به مدت ۱۰ دقیقه برای واسرشت سازی و سپس شروع PCR بر مبنای Hot start PCR، یک سیکل و دمای ۴۷ درجه سانتی گراد به مدت ۱۰ دقیقه برای افزایش میزان اتصال آغازگرها به قطعه هدف و به دنبال آن ۳۵ سیکل شامل ۷۲ درجه سانتی گراد جهت بسط آنزیم به مدت ۱ دقیقه، ۹۴ درجه سانتی گراد به مدت ۱ دقیقه و ۴۷ درجه سانتی گراد به مدت ۱ دقیقه برای تکثیر نهایی در دمای ۷۲ درجه سانتی گراد به مدت ۱۰ دقیقه صورت پذیرفت. در این آزمایش‌ها، چهار نمونه برگ جوان متفاوت از هر گیاه مورد استفاده قرار گرفتند.

اندازه‌گیری میزان فعالیت ژن *gus*

برای رنگ آمیزی بافت‌های تراریخته شده گیاهی، از گیاهچه‌های تراریخت، رشد کرده در محیط MS، استفاده شد. به این منظور قطعات خرد شده گیاهچه به صورت غوطه ور در محلول حاوی X-Glue در ۳۷ درجه سانتی گراد قرار گرفت. پس از چند ساعت و متعاقب آبی رنگ شدن بافت‌های گیاهان تراریخت، برای از بین بردن رنگ سبز کلروفیل نمونه‌های بافت‌های گیاهی مورد آزمایش به اتانل ۱۰۰ درصد منتقل گردیدند و سپس به مدت چند ساعت برای از بین رفتن کلروفیل که رنگ سبز آن با رنگ آبی متمایل به سبز نمونه‌های تراریخت گیاهی تداخل دارد در آن شرایط نگهداری شدند (۴).

اندازه‌گیری میزان پروتئین

از هر گیاه تراریخت شده توتون که به مدت دو ماه در شرایط گلخانه نگهداری شده بودند، مقدار ۱۰۰ میلی گرم برگ تازه نمونه برداری شده و در حضور نیتروژن مایع به صورت پودر درآمدند. سپس ۱۰ میلی لیتر از اسید سولفوسالسیلیک ۳٪ به نمونه‌ها اضافه شد. محلول حاصل به مدت ۱۰ دقیقه در ۱۳۰۰۰

آزمایش تأیید شد (شکل ۳). چون توالی ژن $p5cs$ به صورت عمومی در گیاهان وجود دارد (۱۳)، انتخاب آغازگر پیش برنده از قسمت پروموتور 35S که در گیاهان غیر تراریخت وجود ندارد، امکان اشتباه در نتایج را از بین می‌برد و به همین علت در گیاهان شاهد غیر تراریخت هیچ گونه محصول PCR مشاهده نشد (شکل ۳). در طی این آزمایش‌ها بعضی از نمونه‌های برگ‌ی تهیه شده از یک گیاه که تحت تیمار تراریختگی قرار گرفته بودند تولید قطعه ۷۶۵ جفت بازی را نمودند که نشانه عدم انتقال ژن $p5cs$ به این نمونه‌هاست. این پدیده را می‌توان به علت تولید گیاهان موزائیک تراریخت حاصل از جوانه‌ها ربط داد. چون جوانه مجموعه‌ای از سلول‌های کالوس است، بنابراین احتمال دارد تعدادی از سلول‌ها در بافت کالوس تراریخت شده و عده‌ای دیگر از این تراریختگی فرار کرده‌اند. بدین دلیل احتمالاً گیاهان کامل به دست آمده از این بافت‌ها در قسمت‌هایی از اندام‌های خود فاقد سلول‌های تراریخته هستند (۱۷، ۶). در چنین مواردی کشت بذورهای T_0 در محیط کشت حاوی آنتی‌بیوتیک کانامایسین و گیاهان به دست آمده از این بذور می‌تواند اطمینان از تراریختگی گیاه را تکمیل نماید. بنابراین برای تأیید تراریختگی، بذور T_0 این گیاهان روی محیط MS حاوی آنتی‌بیوتیک کشت داده شدند و گیاهچه‌های رشد کرده در این محیط به عنوان تراریخته‌هایی تلقی شدند که در تمام سلول‌های خود حاوی ژن $p5cs$ هستند.

نتایج به دست آمده از رنگ آمیزی بافت گیاهان تراریخت شده نشان داد که بافت‌های مورد بررسی به اندازه کافی رنگ آبی به خود گرفتند ولی قسمت‌هایی از نمونه‌ها بدون تظاهر رنگ آبی، زرد باقی مانده بودند (شکل ۴). گرچه این مشاهدات تأیید کرد که انتقال دستواره $pBI121-p5cs$ با موفقیت انجام شده است ولی تولید حالت شیمیری در نمونه‌های مورد بررسی احتمال حضور دستواره در تمام سلول‌های بافت نمونه‌ها را مورد تردید قرار داد. چنین پدیده‌ای در تراریخت کردن گیاهان گندم (۶) و گل داوودی (۱۷) نیز گزارش شده است. از طرف دیگر چون میزان تظاهر آزنزیم GUS در تمام سلول‌ها یکسان نیست و

دور در دقیقه سانتریفوژ شد و ۲ میلی لیتر از محلول بالایی انتخاب شده و با ۲ میلی لیتر از اسید استیک و ۲ میلی لیتر محلول اسیدی نینهایدرین Ninhydrin acid (شامل ۱/۲۵ گرم نینهایدرین در ۳۰ میلی لیتر اسید استیک که پس از حل شدن با حرارت، ۲۰ میلی لیتر اسید اورتوفسفوریک به آن اضافه شده بود) مخلوط گردیده و به مدت یک ساعت جوشانیده شد. پس از این مدت برای جلوگیری از ادامه واکنش، لوله‌ها در مخلوط آب و یخ قرار گرفتند. به نمونه‌های موجود در شرایط آزمایشگاه ۴ میلی لیتر تولوئن اضافه گردید و پس از به هم زدن با ورتکس (Vortex) شدت جذب نمونه‌ها در ۵۲۰ نانومتر در دستگاه اسپکتروفتومتر اندازه‌گیری شد (۲). برای محاسبه میزان پرولین در نمونه‌ها، نخست میزان شدت جذب نوری (OD) غلظت‌های ۱ تا ۱۶۰ میکرو مولار پرولین خالص تهیه شده از کمپانی Merck (پرولین استاندارد) در ۵۲۰ نانومتر اندازه‌گیری شد و بر اساس معادله خط رگرسیون بین مقدار پرولین‌های استاندارد و شدت جذب نوری آنها، مقدار پرولین موجود در بافت گیاهان تراریخت محاسبه شد.

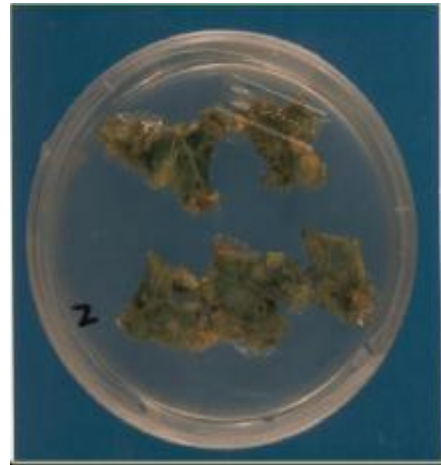
نتایج و بحث

ژن $p5cs$ که همراه ژن گزارشگر gus در ناقل pBI121 وارد شده است ($pBI121-p5cs$) از طریق شوک حرارتی به اگروباکتریوم منتقل شده (۱) و برای تراریخت کردن گیاهان توتون به کار رفت. چهار هفته پس از انجام آزمایش‌های انتقال، نشانه‌های کالوس زایی در بافت تمام ریز نمونه‌ها دیده شد (شکل ۱) که همراه با تولید گیاهچه‌های ریشه دار بودند (شکل ۲). در این مدت ریزنمونه‌های شاهد منفی بدون رشد، دچار زردی و نکروزه شده و از بین رفتند. پس از رشد و گل‌دهی گیاهان تراریخت، بذور T_0 آنها جمع‌آوری شده و برای ادامه آزمایش‌ها نگهداری شد.

واکنش PCR برای گیاهان تراریخت شده منجر به تولید قطعه ۷۶۵ جفت بازی از قسمت پروموتور 35S و از داخل ژن $p5cs$ شد که به دلیل مطابقت اندازه با توالی بین دو آغازگر مورد استفاده در ژن اصلی ($p5cs$)، تراریخته بودن گیاهان مورد



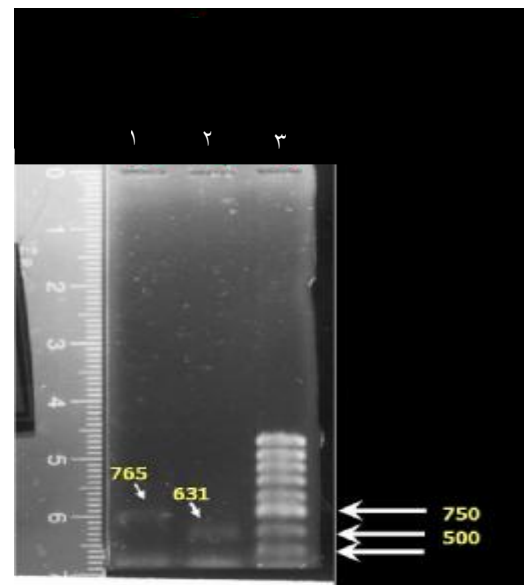
شکل ۲. ریشه زایی جوانه ها در محیط MS انتخابی حاوی آنتی بیوتیک (کانامایسین و سفاتوکسیم) و بدون هورمون



شکل ۱. کالوس زایی در محیط انتخابی MS حاوی آنتی بیوتیک (کانامایسین و سفاتوکسیم) و هورمون NAA (0.1mg/l) و BAP (1mg/l)



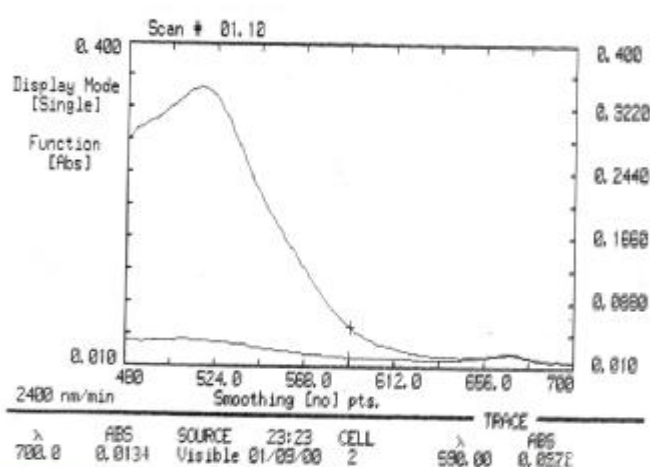
شکل ۴. نتایج حاصل از رنگ آمیزی GUS در بافت برگ گیاهان تراریخت و غیر تراریخت تحت اثر محلول X-Gluc (pH 7).
۱- گیاه غیر تراریخت که بعد از رنگبری با الکل ۱۰۰٪ بی رنگ شده است.
۲- گیاه تراریخت با دستواره pBI-p5cs که بعد از رنگبری با الکل ۱۰۰٪، رنگ آبی مربوط به فعالیت آنزیم GUS باقی مانده است.
۳- گیاه تراریخت با دستواره pBI-p5cs که بعد از رنگبری با الکل ۱۰۰٪، رنگ آبی مربوط به فعالیت آنزیم GUS باقی مانده است.



شکل ۳. نتیجه واکنش PCR گیاهان تراریخت شده با آغازگرهای اختصاصی ژن *p5cs*.
۱- گیاه تراریخت شده با دستواره pBI-p5cs
۲- پلاسمید pBI-p5cs
۳- DNA size marker Gene Ruler 100bp (Roche)

جدول ۱. میزان ضریب جذب نوری در ۵۲۰ nm در گیاهان تراریختی که تحت آبیاری طبیعی و ۵ روز تنش خشکی قرار داشتند.

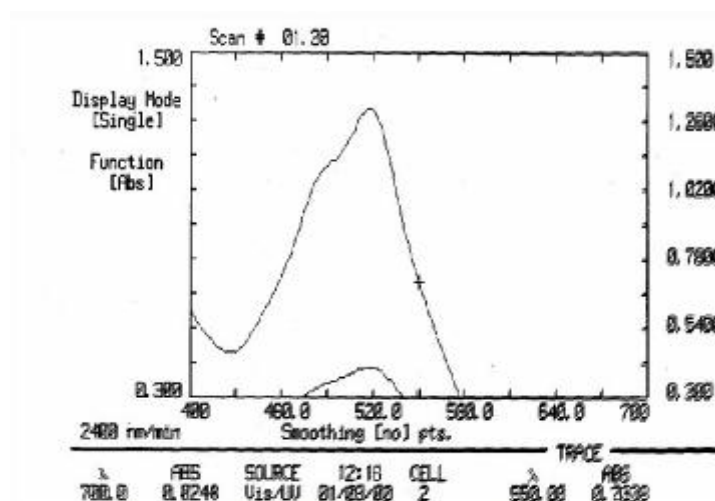
نمونه گیاهی	پرولین بر حسب میکروگرم در گرم برگ	تنش خشکی
گیاه غیر تراریخت	۰	۶
گیاه تراریخت ۱	۹۶/۹۱	۲۰۴/۴۵۴
گیاه تراریخت ۲	۲۰۰/۲۷۲	۳۷۲/۵۲۵
گیاه تراریخت ۳	۲۸۲/۴۸۵	۵۸۳/۰۵
گیاه تراریخت ۴	۱۳۳۰/۸۹۱	۲۰۳۹/۷۷



شکل ۵. منحنی جذب ۵۲۰nm مربوط به گیاه تراریخت با دستواره pBI-p5cs و گیاه وحشی در شرایط آبیاری طبیعی

چنانچه مسئله رقت حاصله در نمونه‌های گیاهان شاهد را تصحیح کنیم، مقادیر فوق الذکر مسلماً بیشتر خواهند شد. میزان پرولین در گیاهان تراریخت تحت تنش کم آبی ۵ روزه در مقایسه با شاهد و نیز شرایط طبیعی آبیاری روند افزایشی بیشتری را نشان دادند (جدول ۱، شکل ۶). به طوری که کمترین میزان تولید پرولین ۲۰۴/۴۵۴ و بیشترین مقدار تولید ۲۰۳۹/۷۷ در گیاهان تراریخت ارزیابی شدند. در چنین شرایطی از تنش، میزان تولید پرولین در گیاه شاهد ۶ میکروگرم در گرم برگ تازه محاسبه شد. اندازه‌گیری‌های پرولین نشان داد که حضور ژن $p5cs$ در گیاهان تراریخت به طور مشخصی در افزایش میزان پرولین گیاه تراریخت مؤثر بوده است. چنین نتایجی کاملاً با نتایج محققین دیگر مطابقت دارد (۵ و ۲۰). از طرف دیگر مشخص شده است که گیاه به طور طبیعی تحت شرایط تنش

معمولاً در سلول‌های آوندی این ژن بیشتر بیان می‌شود (۴) بنابراین این احتمال وجود دارد که علی‌رغم تراریخت شدن سلول، به دلیل عدم تظاهر ژن *gus* رنگ آبی در این بافت‌ها دیده نشود. مقایسه سنجش پرولین در گیاهان تراریخت نسبت به گیاه شاهد در شرایط طبیعی آبیاری نشان داد که گیاهان تراریخت حداقل ۹۶/۹۱ و حداکثر ۱۳۳۰/۸۹۱ میکروگرم پرولین در گرم برگ تازه تولید کرده‌اند (جدول ۱، شکل ۵). این مقادیر محاسبه شده برای پرولین در گیاه تراریخت در مقایسه با گیاه شاهدی است که به دلیل اضافه کردن ۱۰ میلی لیتر سولفوسالیسیلیک اسید (رجوع به مواد و روش‌ها) به دلیل رقت حاصله برای اسید آمینه پرولین در این گیاه (شاهد) مقادیر به دست آمده برای پرولین با توجه به منحنی استاندارد حاصله از دستگاه اسپکتروفتومتر که در حدود صفر محاسبه شده‌اند است. بنابراین



شکل ۶. منحنی جذب در ۵۲۰ nm مربوط به گیاه تراریخت با دستواره pBI-p5cs و گیاه وحشی تحت ۵ روز تنش خشکی

Ion homeostasis مثل *ArNHX1* و *AtHKT1* و *AtSOS1* (۹) و ژن‌های سنتز کننده Polyols مثل *Stpd1* (۲۲) که در گیاهان تراریخته آراییدوپسیس، کلزا، توتون و سیب زمینی مقاومت به تنش را افزایش می‌دهند، است. این ژن نیز پتانسیل بالایی برای تولید گیاهان مقاوم به خشکی را دارد. گرچه نتایج این بررسی در گیاه مدل توتون امیدوارکننده بود ولی برای تولید گیاهان زراعی قادر به تحمل به شرایط خشکی و شوری لازم است بهینه سازی انتقال ژن *p5cs* به گیاهان مورد نظر و نیز مقاومت گیاهان تراریخت به تنش کم آبی مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.

سپاسگزاری

نویسندگان واجب می‌دانند که از زحمات آقای دکتر مسعود بهار به خاطر مطالعه و ویرایش متن تشکر و قدردانی کنند.

شوری و یا خشکی تولید پرولین بیش از حد متعارف می‌کند (۲۰) و بنابراین نتایج تولید بیش از حد پرولین در گیاهان تحت تنش ۵ روزه کم آبی در این پژوهش نسبت به گیاهان تراریخت تحت اثر آبیاری طبیعی کاملاً مؤید این نظر است که بیان ژن *p5cs* در شرایط خشکی به مقدار بیشتر صورت گرفته است. باید یادآوری نمود که در شرایط طبیعی، افزایش بیش از حد پرولین عامل کند کننده‌ای برای فعالیت آنزیم P5CS است، در حالی‌که چون در شرایط تنش میزان پرولین به مصرف فعالیت‌های سلولی برای القای مقاومت به خشکی و یا شوری می‌شود، اثر کندکنندگی موثر نیست (۲۰).

نتایج حاصل از بررسی تأثیر القایی ژن *p5cs* در افزایش پرولین در گیاه توتون در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که عملکرد این ژن در مشابهت با عمل ژن‌های سنتز کننده بتائین گلايسين مثل *codA* (۹)، ژن‌های سنتز کننده قندهای تری هالوزها مثل *otsA* and *otsB* (۱۸)، ژن‌های دخیل در

منابع مورد استفاده

۱. یامچی، ا. ۱۳۸۱. بیان فراوان ژن دلتا-۱- پرولین-۵ - کربوکسیلات سنتتاز (*p5cs*)، با هدف افزایش مقاومت به تنش‌های اسموتیک در گیاه تراریخت توتون (*Nicotiana tabacum* cv. Xanthi). پایان نامه کارشناسی ارشد بیوتکنولوژی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.

2. Bates, L. 1973. Rapid determination of free proline for water stress studies. Plant Soil 39: 205- 207.

3. Delauney A.J. and D.P.S Verma.1993. Proline biosynthesis and osmoregulation in plants. The Plant J. 4: 215-223.
4. Gallagher, S.R. 1990. GUS Protocole:Using the GUS Gene as a Reporter of Gene Expression. Academic Press, New York.
5. Ginzberg, I., H. Stein and Y. Kapuling. 1998. Isolation and characterization of two different cDNAs of Δ^1 -pyrroline- carboxylate synthase in alfalfa, transcriptionally induced upon salt stress. Plant Mol. Biol. 38: 755-764.
6. Hammond, J., P. Mc Garvey and V.Yusibov. 2000. Plant Biotechnology. Springer, Germany.
7. Kiyosue, T., Y.Yoshiba, K.Yamaguchi- Shinozald and K. Shinozaki. 1996 A nuclear gene encoding mitochondrial proline dehydrogenase, an enzyme involved in proline metabolism, is upregulated by proline but downregulated by dehydration in Arabidopsis. Plant Cell. 8: 1323-1335.
8. McCue K.F. and A.D. Hanson.1990. Drought and salt tolerance: towards understanding and application. Trends Biotech. 8: 358-362.
9. Maris, P.A. and B. Eduardo. 2002. Engineering salt tolerance in plants. Curr. Op. Biotech.13: 146-150.
10. Measues, J.C. 1975. Role of amino acids in osmoregulation of non-halophilic bacteria. Nature. 257: 398-400.
11. Murashige T. and F. Skoog. 1962. Physiology Plantarum. 15: 473-497.
12. Nanjo T., M. Kobayashi, Y. Yoshiba, Y. Sanada, K. Wada, H. Tsukaya, Y. Kakubari, K. Yamaguchi-Shinozaki and K. Shinozaki. 1990. Biological functions of proline in morphogenesis and osmotolerance revealed in antisense transgenic transporters *Arabidopsis thaliana*.The Plant J.18: 185-193.
13. Orcutt,D.M. and E.T. Nilsen. 2000. The Physiology of Plants Under Stress, Soil and Biotic Factors. John Wiley, New York.
14. Paul, M. and A. Hasegava. 1996. Plant cellular and molecular responses to high salinity. Ann. Rev. Plant Physiol. Plant Mol. Biol. 51: 463-499.
15. Rayapati, P.J. and C.R. Stewart. 1991. Solubilization of a proline dehydrogenase from maize(*Zea mays* L.) mitochondria. Plant Physiol. 95: 787-791.
16. Savoure A.S., X.J. Jaoua, W. Hua, M. Van Montagu Ardiles and N. Verbruggen. 1995. Isolation, characterization, and chromosomal location of a gene encoding the Δ^1 - pyrroline- 5- carboxylate synthetase in Arabidopsis thaliana. FEBS Lett. 372: 13-19.
17. Sherman, J.M., W.M. James and E.D. Margaret. 1998. A regeneration and Agrobacterium- mediated transformation system for genetically diverse Chrysanthemum cultivars. J. Am. Soc. Hort. Sci. 123: 189-194.
18. Smirnoff, N.1998. Plant resistance to environmental stress. Curr. Op. Biotech. 9: 214-219.
19. Solomon, A. and S. Beer. 1994. Effect of NaCl on the carboxylating activity of rubisco and absence of proline related compatible solutes Plant. Physiol. 108: 1387-1394.
20. Verma, D.P.S. and Z. Hong. 2000. Removal of feedback inhibition of Δ^1 -Pyrroline-5- Carboxylate Synthetase results in increased proline accumulation and protection of plants from osmotic stress. Plant Physiol. 122: 1129-1136.
21. Wallace, D. M. 1987. Larg and Small Scall Phenol Extraction Methods in Enzymology Academic press, New York.
22. Williamson, J.D., D.B. Jennings and D.M. Pharr. 2002. Sugar Alcohols, Salt Stress and Fungal Resistance: Polyols-multifunctional Plant Protection. J. Am. Soc. Hort. Sci.127(4): 467-473.
23. Yoshiba, Y., T. Kiyosue, T. Katagiri, H. Ueda and T. Mizoguchi. 1995. Correlation between the induction of a gene for Δ^1 - pyrroline- 5- carboxylate synthetase and the accumulation of proline in Arabidopsis thaliana under osmotic stress.The Plant J. 7: 751-760.